

## سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم ﷺ

محمدرضا جباری\*

### چکیده

نیاز انسان‌ها به مواهب طبیعی، اقتصاد و معیشت در زندگی مادی، امری ضروری است و در این اصل کلی تفاوتی میان انسان‌ها نیست. آنچه منشأ تفاوت در اخلاق اقتصادی انسان‌هاست نوع رفتار آنان در کسب روزی و معیشت و درآمد، و نیز چگونگی بهره‌گیری و مصرف است. پیامبر اعظم ﷺ در این دو عرصه (درآمد و مصرف) ویژگی‌های درس‌آموزی دارد. ایشان در عرصه درآمد، هم‌چون دیگران به فعالیت‌هایی مانند چوپانی، تجارت و زراعت اشتغال داشت، و ضمن این که از جلب روزی از راه‌های معنوی نیز غافل نبود، به وقت ضرورت، قرض هم می‌کرد. اهتمام آن جناب بر حلال بودن درآمد قابل توجه است. در عرصه مصرف نیز قناعت و ساده‌زیستی، عدالت و احتیاط در مصرف بیت‌المال، پرهیز از اسراف و تبذیر، و بالأخره انفاق در راه خدا از اصول قابل توجه در سیره اقتصادی پیامبر اعظم ﷺ است. **واژه‌های کلیدی:** سیره اقتصادی، پیامبر اعظم ﷺ، اقتصاد، چوپانی، تجارت، زراعت، درآمد، مصرف، عدالت، احتیاط، بیت‌المال، اسراف، تبذیر و انفاق.

### مقدمه

در اخلاق اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ اصولی به چشم می‌خورد که برای هر مسلمان طالب رفتار درست اقتصادی، درس‌آموز و شایسته پیروی است. هر چند رفتارهای اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ هم در حیات فردی و هم در حیات اجتماعی آن حضرت نمود داشته، اما از

---

\* دکتری علوم قرآن و حدیث.



آن جا که اخلاق اقتصادی پیش از نمود اجتماعی، نمود فردی هم دارد و انسان‌ها با صرف نظر از زندگی جمعی نیز بی‌نیاز از اقتصاد و معیشت نیستند، از این رو، اصول مربوط به اخلاق اقتصادی حضرت در بخش اخلاق فردی طرح می‌شود، هر چند بخشی از این اصول، مربوط به اخلاق اجتماعی است. این اصول را می‌توان در دو بخش کلی درآمد و مصرف مطرح و بررسی کرد.

## ۱. درآمد

### ۱-۱. کار و تلاش برای کسب روزی

نگاهی به آغاز تا سرانجام زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌تواند این واقعیت را تأیید کند که سرتاسر آن حضرت همراه با تلاش برای کسب روزی از راه‌های مشروع و در راستای حفظ عزت و پرهیز از تحمیل خود بر دیگران بوده است. میزان اهتمام حضرت به کار و تلاش اقتصادی به قدری بود که بنا به نقل ابن عباس هنگامی که آن حضرت از فردی خوشش می‌آمد، ابتدا می‌پرسید: آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند: بی‌کار است، می‌فرمود: «از چشم افتاد» و هنگامی که سبب را می‌پرسیدند، می‌فرمود: «زیرا مؤمن وقتی بی‌کار باشد دین خود را اسباب معیشت قرار می‌دهد»<sup>۱</sup> و نیز می‌فرمود: «خداوند بنده مؤمن دارای حرفه و شغل را دوست دارد»<sup>۲</sup> این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بی‌کاری را زمینه ارتزاق از راه دین شمرده می‌تواند بدان معنا باشد که فقدان شغل و حرفه از سویی، و نیازمندی مادی از سوی دیگر، ممکن است رفته رفته فرد را به سوی مایه گذاشتن از دین برای نیل به مقاصد مادی سوق دهد، و این حالت ممکن است در قالب رفتارهای گوناگون نمود یابد.

۱. عن ابن عباس انه قال: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا نظر إلى رجل فأعجبه قال: «هل له حرفة؟» فإن قالوا لا، قال: «سقط من عيني». قيل: وكيف ذلك يا رسول الله؟ قال: «لأن المؤمن إذا لم يكن له حرفة يعيش بدینه» (جامع الاخبار، ص ۳۹۰، ح ۱۰۸۴؛ زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۴۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۰ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۲۸).

۲. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان الله يحب العبد المؤمن المحترف» (طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۲۳۸؛ همو، المعجم الاوسط، ج ۸، ص ۲۸۰؛ قضاعی، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹، ص ح ۱۰۷۱-۱۰۷۴ و هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۶۲).

در گزارش‌های تاریخی، شواهدی وجود دارد که حاکی از اشتغال پیامبر اکرم ﷺ به مشاغل متعارف آن زمان، یعنی چوپانی، زراعت و تجارت است. می‌توان اولین حرفه و کاری را که پیامبر اکرم ﷺ بدان مشغول شد، چوپانی دانست، چرا که در مکه، زمینه زراعت فراهم نبود و اولین سفر تجاری پیامبر ﷺ نیز در ۲۵ سالگی رخ داد. در روایات بسیاری، از این حرفه برای پیامبران یاد شده است.

بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده جز آن که از او چوپانی گوسفندان را خواسته است تا بدان وسیله تربیت مردم را بیاموزد.<sup>۱</sup>

و نیز بنابر روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

خداوند از میان کارها، زراعت و چوپانی را برای پیامبران دوست داشته تا از بارش آسمان کراهت نداشته باشند.<sup>۲</sup>

از خود پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود:

«خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده جز این که از آن پیامبر گوسفند چرانی کرده است. پرسیدند: و شما نیز؟ فرمود: آری، من نیز گوسفندان را برای اهل مکه در منطقه قراریط می‌چراندم».<sup>۳</sup>

در روایت دیگری به نقل از عمار آمده است:

۱. عن عقبه عن ابي عبدالله عليه السلام «ما بعث الله نبياً قط حتى يسترعيه الغنم يعلمه بذلك رعية الناس» (شيخ صدوق، علل الشرايع، ج ۱، ص ۳۲، ح ۲).

۲. عن محمد بن عطية قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: «ان الله أحب لأنبيائه عليهم السلام من الأعمال الحرث و الرعي، لئلا يكرهوا شيئاً من قطر السماء» (همان، ح ۱).

۳. عن ابي هريرة عن النبي ﷺ قال: «ما بعث الله نبياً الا رعى الغنم». فقال اصحاب: «وانت؟» قال: «نعم، كنت أرهاها على قراريط لاهل مكة» (صحيح البخاري، ج ۳، ص ۴۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۲۷؛ بيهقي، السنن الكبرى، ج ۶، ص ۱۱۸؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۲۵ و متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۱۱ و ج ۱۱، ص ۴۷۵). برخی تصور کرده‌اند مراد از «قراريط» در این روایت، جمع قیراط، و به معنای اجرتی است که پیامبر اکرم ﷺ در قبال چرانیدن گوسفندان اهل مکه دریافت می‌کرده است، اما با توجه به این که در روایتی دیگر، حضرت تعبیر «وانا راعی غنم اهلی بجیاد» را به کار برده، و جیاد نام مکانی در اطراف مکه است، لذا مشخص می‌شود که قراریط نیز نام مکان است (ر.ک: شوکانی، نیل الاوطار، ج ۶، ص ۱۹-۲۰ و ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۴، ص ۳۶۳-۳۶۴).

من و محمد ﷺ گوسفندان اهل خود را می‌چرانندیم. روزی به ایشان عرض کردم: آیا مایلید به سرزمین فتح برویم؟ من زمینی سرسبز در آنجا یافته‌ام. فرمود: «آری». فردا هنگامی که من به آنجا رفتم دیدم ایشان پیش از من در محل قرار حاضر شده است، ولی گوسفندان را از ورود به آن زمین منع می‌کند. و چون مرا دید، فرمود: «چون با تو وعده داشتم نخواستم که پیش از تو گوسفندانم را بچرانم»<sup>۱</sup>.

از آنجا که عمار تقریباً هم سن با پیامبر ﷺ بود<sup>۲</sup> این جریان می‌تواند مربوط به دوران جوانی آن حضرت باشد که اوج دوره گوسفندچرانی ایشان است. با توجه به آن چه گذشت، اگر چه سر اصلی چوپانی پیامبر ﷺ خلوت‌گزینی در دل صحرا و تفکر بوده، اما طبیعی است نفس این عمل، آثار اقتصادی هم داشت و کمک مالی و مادی برای بستگان و عمویش به شمار می‌آمد و از این رو می‌توان آن را در ردیف فعالیت‌های اقتصادی آن حضرت به شمار آورد.

گفته شد که پیامبر اکرم ﷺ به جز چوپانی، تجارت نیز کرده است. آن حضرت در ۲۵ سالگی، با سرمایه‌ای از خدیجه<sup>۳</sup> برای تجارت از گونه مزاریه، راهی شام شد و در این سفر، پیامبر اکرم ﷺ با سود خوبی به مکه بازگشت و امانت‌داری او درباره اموال خدیجه<sup>۴</sup> موجب علاقه‌مندی بیشتر وی به پیامبر اکرم ﷺ شد. البته کار تجاری پیامبر اکرم ﷺ منحصر به این مورد نبوده است. به عنوان نمونه، در یک مورد، آن حضرت با خریدن کالاهای کاروانی تجاری که از شام آمده بود، به سود خوبی دست یافت و با آن، هم دین خود را ادا کرد و هم مقداری بین بستگان تقسیم کرد.<sup>۵</sup> از بعضی روایات برمی‌آید که پیامبر اکرم ﷺ به لحاظ اقتصادی، تجارت را ترجیح می‌داده و از ده جزء برکت، نه جزء را در تجارت و یکی را در چوپانی می‌دانسته است.<sup>۵</sup>

۱. قال عمار رضی الله عنه: كنت أرعى غنيمة أهلي، وكان محمد ﷺ يرعى أيضا. فقلت: «يا محمد، هل لك في فتح، فاني تركتها روضة برق. قال: «نعم». فجننتها من الغد و قد سبقني محمد ﷺ و هو قائم يذود غنمه عن الروضة. قال: «إني كنت واعدتك فكرهت أن أرعى قبلك» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۴، ح ۲۵).

۲. ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۶-۴۷.

۳. ر.ک: سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۴. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۸.

۵. عن عبدالمؤمن الانصاری عن ابي جعفر<sup>۶</sup> قال: قال رسول الله ﷺ: «البركة عشرة اجزاء، تسعة

پیامبر گرامی ﷺ به جز چوپانی و تجارت که عمدتاً پیش از هجرت به مدینه انجام داد، در مدینه - به سبب وجود زمینه برای زراعت، برخلاف مکه - به زراعت نیز می پرداخت. بنابر نقل امام صادق علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اتفاق یکدیگر زراعت می کردند؛ بدین ترتیب که امیرالمؤمنین علیه السلام بیل می زد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هسته خرما را با آب مبارک دهان خیس کرده و در زمین می نهاد.<sup>۱</sup> بنابر روایت دیگری از آن حضرت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن که آب را به سوی زمین زراعی اش هدایت کند سنگی را در مسیر آن قرار داد.<sup>۲</sup>

### ۲-۱. جلب روزی از راه های معنوی

از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلاش مادی و جسمانی تنها راه کسب درآمد نیست و راه های بسیار معنوی برای جلب روزی وجود دارد. طبیعی است که انسان ها از تجارت و دیگر راه های مادی برای کسب درآمد، آگاهی دارند، اما راه های معنوی جز برای اهل معنا شناخته شده نیست. به همین سبب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاره ای از این راه ها را معرفی کرده و خود نیز به آن ها ملتزم بوده است.

پیش از هر چیز توکل به خداوند متعال، وسیله ای برای جلب روزی معرفی شده است. آن حضرت در این باره فرموده است:

اگر آن گونه که باید، به خدا توکل کنید، خداوند همان گونه که پرندگان را روزی می دهد شما را روزی خواهد داد، چنان که پرندگان با شکم های خالی صبح کرده و با شکم پر، روز را به شب می برند.<sup>۳</sup>

دعا و درخواست از محضر الهی نیز از راه های بسیار مهم در جلب و افزایش روزی از منظر

→ أَعْشَارُهَا فِي التِّجَارَةِ، وَالْعَشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ» (شيخ صدوق، الخصال، ص ۴۴۵، ح ۴۴).  
 ۱. عن الفضل بن ابی قرة، عن ابی عبد الله علیه السلام، قال: «كان امير المؤمنين يضرب بالمرو يستخرج الأرضين، وكان رسول الله صلی الله علیه و آله يمص النوى بفيه و يفرسه فيطلع من ساعته، و ان امير المؤمنين علیه السلام أعتق الف مملوك من ماله و كذ يمينة» (كلینی، همان، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲).  
 ۲. عن عمار السجستانی عن ابی عبد الله عن ابیه علیه السلام قال: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله وضع حجرا على الطريق يرد الماء عن ارضه، فوالله ما نكب بعيرا ولا انسانا حتى الساعة» (همان، ص ۷۵، ح ۷).  
 ۳. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو انكم تتوكلون على الله حق توكله لرزقكم كما يرزق الطير تغدو خماسا و تروح بظاناً» (متقی هندی، كنز العمال، ح ۵۶۸۴).

نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. به عنوان نمونه، در روایتی نقل شده است که: روزی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جمع اصحاب، دست به دعا برداشته و عرض کرد: «خدایا، ما آن فضل و رحمتت را که جز تو کسی آن را مالک نیست خواهانیم». در این هنگام، یک گوسفند بریان شده برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدیه آورده شد، و حضرت رو به اصحاب کرده، فرمود: «بگیرید که این از فضل الهی است و ما منتظر رحمت اویم».<sup>۱</sup>

از برخی کلمات نقل شده از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر می آید که استغفار و توبه در کنار ذکر خداوند، از دیگر راه‌های معنوی جلب روزی است. در روایتی از آن حضرت چنین نقل شده است: هر آن کس که خداوند به او نعمتی عطا کرده است، حمد خدای تعالی گوید، و آن کسی که روزی اش به کندی به او رسید، از خداوند طلب مغفرت کند.<sup>۲</sup>

در روایت دیگر فرمود:

آن که روزی اش به تأخیر افتاد، زیاد تکبیر گوید و آن که هم و غمش زیاد است زیاد استغفار کند.<sup>۳</sup>

همچنین تعدی به حقوق دیگران را موجب محرومیت از برکت در روزی معرفی فرمود، مگر آن که فرد اقدام به توبه کند.<sup>۴</sup> و نیز کثرت استغفار را موجب جلب روزی دانسته است.<sup>۵</sup> صدقه و نیز اطعام به دیگران، دیگر طریق معنوی برای جلب روزی در نگرش و

۱. ولقد قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذات يوم وعنده اصحابه: «اللهم انا نسألك من فضالك ورحمتك اللذنين لا يملكهما غيرك». فبينما هم كذلك، اذا اهدى الى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شاة مشوية فقال: خذوا، هذا من فضل الله ونحن نتنظر رحمته» (ابن ابی الدنيا، مكارم الاخلاق، ص ۲۷).

۲. عن علي بن الحسين عليه السلام عن أبيه عن علي بن ابي طالب عليه السلام انه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَنْعَمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلِيَحْمَدِ اللهُ تَعَالَى، وَمَنْ اسْتَبْطَأَ عَلَيْهِ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللهُ، وَمَنْ حَزَنَهُ أَمْرُهُ فَلْيَقِلْ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ بِاللَّهِ» (شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۷۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۵۹ و ج ۱۵، ص ۸۴۸).

۳. عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ اسْتَبْطَأَ الرِّزْقَ فَلْيَكْثِرْ مِنَ التَّكْبِيرِ، وَمَنْ كَثُرَ هَمُّهُ وَغَمُّهُ فَلْيَكْثِرْ مِنَ الاسْتِغْفَارِ» (متقی هندی، همان، ج ۴، ص ۲۷).

۴. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... و من حيس عن أخيه المسلم شيئاً من حق حرم الله عليه بركة الرزق الا أن يتوب» (شيخ صدوق، الامالي، ص ۵۱۶).

۵. وعن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «اكثروا الاستغفار فإنه يجلب الرزق» (كنز الفوائد، ص ۲۹۰ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱، ح ۱۴).

منش نبوی صلی الله علیه و آله است. ایشان در روایتی، بسیار صدقه‌دادن را سبب کسب رزق معرفی فرموده است.<sup>۱</sup>

و در روایت دیگری می‌فرماید:

روزی به کسی که اطعام طعام می‌کند سریع می‌رسد تا اثر چاقو در کوهان شتر.<sup>۲</sup>  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امانت‌داری و ترک خیانت را نیز موجب جلب رزق، و خیانت را موجب فقر معرفی فرموده است.<sup>۳</sup>

از دیگر اسباب معنوی جلب رزق در نگرش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز روش و منش آن حضرت این است که انسان همشیه با وضو باشد.<sup>۴</sup> هم‌چنین، در نگاه آن حضرت، ازدواج از اسباب جلب رزق است.<sup>۵</sup>

در پایان این بخش، مناسب است به روایتی از امام رضا علیه السلام اشاره شود که در آن از این عادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت کرده که ایشان اگر از راهی به جایی می‌رفت، هنگام برگشت، از راه دیگری باز می‌گشت. امام رضا علیه السلام در ادامه، خود را نیز پای‌بند به این سیره معرفی کرده و آن را در جلب رزق، مؤثر دانسته است.<sup>۶</sup> این امر می‌تواند ناشی از پیدایش زمینه ملاقات با برادران دینی در مسیر جدید یا صلۀ ارحام و در نتیجه، ازدیاد رزق باشد و یا ناشی از دعای زمینی باشد که مؤمن روی آن حرکت می‌کند.<sup>۷</sup>

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «اکثروا من الصدقة ترزقوا» (دیلمی، أعلام الدین، ص ۳۳۳ و محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۹۶).

۲. عن ابن فضال عن عبدالله بن میمون عن جعفر عن ابيه علیه السلام أن النبی صلی الله علیه و آله قال: «الرزق (البركة) أسرع الی من يطعم الطعام من السکین فی السنام» (الکلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۱، ح ۱۰؛ برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۲۳؛ راوندی، الدعوات، ص ۱۵۰ و مجلسی، بحارلأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۲، ح ۱۷ و ج ۷۲، ص ۴۶۱، حج ۱۶).

۳. .... عن السکونی عن ابي عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله «ليس منا من أخلف بالأمانة» و قال: قال: رسول الله صلی الله علیه و آله: «الأمانة تجلب الرزق و الخيانة تجلب الفقر» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۳۳، ح ۷ و شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۷۶).

۴. قيل لرسول الله صلی الله علیه و آله: «أحب أن يوسع علی فی الرزق»، قال: «ذم علی الطهارة يوسع علیک فی الرزق» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۸-۱۲۹).

۵. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اتخذوا الأهل فانه أرزق لكم» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۶).

۶. رک: مازندرانی، شرح اصول الکافی، ج ۱۲، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۷. .... عن موسى بن عمران بن بزیع قال: قلت للرضا علیه السلام: جعلت فداک ان الناس رووا ان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا

### ۱-۳. اهتمام بر حلال بودن درآمد

یکی دیگر از اصول اخلاقی در سیره اقتصادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بسیار مهم است، اهتمام بر حلیت درآمد است. این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درآمدی نامشروع نداشته به لحاظ تاریخی و نیز با لحاظ مبانی کلامی، جای کوچک‌ترین تردید نیست، اما برای درک میزان اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - و همه پیامبران - بر کسب حلال، چند روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در این باره بازگو می‌کنیم.

در نگرش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسب حلال خود، عبادت و بلکه برترین عبادت است، چرا که در یک روایت به نقل از خداوند چنین فرموده: «عبادت را ده جزء است که نه جزء آن طلب حلال می‌باشد»<sup>۱</sup>. هم‌چنین آن حضرت، کسی را که شب را در جست‌وجوی حلال به صبح آورد، مشمول غفران الهی می‌داند،<sup>۲</sup> و نیز طلب حلال را بر هر زن و مرد مسلمان واجب دانسته است.<sup>۳</sup>

از جمله بیانات بسیار مؤثر پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه، شرح مشاهده‌های آن حضرت در شب معراج از وضعیت حرام خواران است. در آن شب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چهره باطنی عالم ماده، مردم حرام‌خوار را چنین دیده و تعریف کردند:

... به گروهی برخوردیم که در مقابل ایشان، هم گوشت طیب و حلال و هم گوشت ناپاک و حرام بود، اما آنان گوشت ناپاک را خورده و گوشت پاک و طیب را

→ أخذ فی طریق رجع فی غیره، کذا کان؟ قال: فقال: «نعم، فانا أفعله كثيرا فافعله»، ثم قال لی: «اما انه أرزق لك» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۴، ح ۱۴ و ج ۸، ص ۱۴۷، ح ۱۲۴).

۱. فی الحدیث القدسی: «یا احمد، العبادة عشرة اجزاء، تسعة منها طلب الحلال فاذا طيبت مطعمك و مشربك فأنت فی حفظی و کنفی» (شیخ حر عاملی، الجواهر السنیة، ص ۱۹۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷).

۲. عن اسماعیل بن مسلم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه عن أبانہ رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من بات كاذباً من (فی) طلب الحلال بات مغفورا له (غفر له) (شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۶۴، ح ۹).

۳. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة» (جامع الاخبار، ص ۱۳۹، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۱۳۵ و سیوطی، الجامع الصغير، ج ۲، ص ۱۳۲) و عنه صلی الله علیه و آله: «طلب الحلال فريضة بعد الفريضة» (راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۱؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۷۴ و متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۵).



وامی نهادند!» آن‌گاه از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی هستند؟ در پاسخ می‌گفت:  
اینان کسانی‌اند که حرام خواری کرده و حلال را وامی نهند.<sup>۱</sup>

از جمله نمونه‌های عملی که از اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حلال خواری و پرهیز از حرام حکایت دارد، جریان میهمان شدن حضرت بر گروهی از انصار است. هنگامی که آنان گوشت گوسفندی بریان شده را در برابر آن حضرت نهادند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لقمه‌ای در دهان نهاده و جوید، اما فرو نداد و بیرون آورد و فرمود: این گوسفند به من خبر می‌دهد که به‌طور ناحق تهیه شده است. آنان ضمن تصدیق سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: چون در بازار، گوسفند نیافتیم گوسفند یکی از همسایگان را [بدون اذن] گرفتیم و [بعداً] بهای آن را خواهیم پرداخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که آن را [به عنوان صدقه] به اسیران بدهند.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱. قرض‌گیری در حال ضرورت

روایاتی در سیره نبوی صلی الله علیه و آله به چشم می‌خورد که گویای آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صورت ضرورت و بروز اضطرار، نیاز اقتصادی خود را هر چند با قرض گرفتن، مرتفع می‌ساخته است. در یک روایت از امام صادق علیه السلام، قرض و عاریه و مهمان‌نوازی از سنت شمرده شده است.<sup>۳</sup> احتمال دارد علاوه بر قرض‌دهی، قرض‌گیری نیز مراد حضرت باشد. در روایتی دیگر، آن حضرت از بدهکار بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، به وقت رحلت خبر داده است.<sup>۴</sup> بعید نیست مقصود حضرت، در گرو بودن زره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث المعراج: «... ثم مصیت فاذا أنا یقوم بین ایدیهم موئد من لحم طیب و لحم خبیث یا کلون الخبیث و یدعون الطیب، فقلت: من هؤلاء یا جبرئیل؟ فقال: «هؤلاء اللذین یا کلون الحرام و یدعون الحلال و هم من أمتک یا محمد...» (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۳۹ و هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۶۷).

۲. علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۳۹۲ و ابن قدامه، الشرح الکبیر، ج ۵، ص ۳۹۵.

۳. روینا عن جعفر بن محمد علیه السلام انه قال: «القرض و العاریة و قری الضعیف من السنة» (تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۸۹).

۴. عن معاوية بن وهب قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: انه ذکر لنا أن رجلاً من الانصار مات و علیه دیناران دینا فلم یصل علیہ النبی صلی الله علیه و آله و قال: صلوا علی صاحبکم، حتی ضمتهما [عنه] بعض قرابته؛ فقال ابو عبدالله علیه السلام: «ذلك الحق»، ثم قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله انما فعل ذلك لیتعظوا و لیرد بعضهم علی بعض و ←

یکی از یهودیان مدینه در قبال دریافت بیست صاع جو باشد که برای تأمین نیاز خانواده‌اش گرفته بود و در حالی از دنیا رفت که زره، هم‌چنان در گرو آن یهودی بود.<sup>۱</sup> این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام گاه از یک فرد یهودی قرض می‌گرفتند، ناشی از وضع مناسب مالی یهودیان، و وضعیت نامناسب اقتصادی مسلمانان بود و از این رو، با این عمل، جواز اقدام به این کار را در صورت اضطرار، برای مسلمانان تثبیت کرده‌اند.

شایان ذکر است که براساس اصل انکار و استثنانپذیر عزت‌طلبی در سیره معصومان علیهم السلام، این گونه اقدامات، هیچ‌گاه به معنای زیر پا نهادن اصل یاد شده نبوده، علاوه براین، بنا بر شواهد تاریخی، این قرض‌گیری‌ها معمولاً همراه با رهن و گروگذاری کالایی بوده است. از این رو، اگر پیش از ادای دَین، از دنیا می‌رفتند، کالای گرو نهاده شده می‌توانست ذمه ایشان را بری کند.

نکته جالب توجه آن‌که در برخی موارد، قرض‌گیری‌ها و نوع رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فرد قرض دهنده، موجب هدایت وی به اسلام شده است. به عنوان مثال، بنا به نقل امیرالمؤمنین علیه السلام فردی یهودی که برای دریافت طلب خود نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده بود و با وجود این که حضرت در آن لحظه اظهار می‌کند که توان پرداخت بدهی را ندارد، آن یهودی به اصرار خود ادامه داد و نزدیک به یک شبانه روز پیامبر صلی الله علیه و آله را رها نکرد، و با وجود تهدید وی توسط برخی اصحاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم‌چنان در کنار وی ماند و اصحاب را از آن کار منع می‌فرمود تا این که در روز بعد، یهودی اظهار داشت: «من این کار نکردم جز برای این که صفات تو را با آن‌چه در تورات آمده تطبیق کنم، زیرا تو در تورات به عنوان کسی که درشت‌خو و اهل فحش و ناسزا نیست معرفی شده‌ای». سپس آن یهودی اسلام آورده، شهادتین گفت و

→ لئلا يستخفوا بالدين، و قدمات رسول الله صلی الله علیه و آله و علیه دَین، و مات الحسن علیه السلام و علیه دَین، و قتل الحسين علیه السلام و علیه دَین» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲). بنابر استظهار محقق کتاب کافی، نماز نخواندن پیامبر صلی الله علیه و آله بر بدن آن انصاری شاید به علت بی‌مبالاتی وی در پرداخت دین بوده است.

۱. عن ابن علوان عن جعفر بن محمد علیه السلام عن أبيه علیه السلام: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله لم يورث دينارا ولا درهما، ولا عبدا ولا وليدة، ولا شاة ولا بعيرا، ولقد قبض رسول الله صلی الله علیه و آله وان درعه مرهونة عند يهودي من يهود المدينة بعشرين صاعا من شعير استلفها نفقة لأهله» (حمیری بغدادی، قرب الاسناد، ص ۹۱، ح ۳۰۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۹، ح ۸ و ص ۲۳۹ و صفة الصفوة، ج ۱، ص ۲۰۰).

اموالش را در اختیار پیامبر اکرم ﷺ نهاد.<sup>۱</sup>

اقدام پیامبر ﷺ به قرض‌گیری، با آموزه‌های اخلاقی نیز همراه بوده است. به عنوان مثال، در یک مورد، هنگامی که فردی نیازمند از پیامبر اکرم ﷺ درخواست کمک کرد، آن حضرت مقداری آذوقه از یکی از انصار قرض کرده و به وی داد، و پس از مدتی، هنگامی که آن فرد انصاری به طلب خود نیاز پیدا کرد، پیامبر ﷺ از فردی دیگر، دو برابر آن مقدار را قرض کرده و به فرد انصاری داد.<sup>۲</sup> هر چند حتی‌الامکان باید از قرض‌گیری اجتناب کرد، اما روح انفاق و سخا در پیامبر اکرم ﷺ گاه آن حضرت را به سوی استقراض برای تأمین این امر سوق می‌داده است، چنان‌که پرداخت مبلغی اضافه بر میزان بدهی، به صورت داوطلبانه از سوی بدهکار، از مستحبات است<sup>۳</sup> و روایت یاد شده نیز گویای تقید پیامبر اکرم ﷺ به این امر است.

## ۲. مصرف

### ۱-۲. قناعت و ساده‌زیستی

امروزه مصرف‌گرایی را یکی از آفات اقتصاد جوامع به شمار می‌آورند. معمولاً جوامعی که توان تولیدی بالا و اعتدال در مصرف دارند از پیشرفت بهتری بهره‌مندند، در اصول نظری اقتصاد اسلامی نیز بر این اصل تأکید شده و سیره معصومان علیهم‌السلام نیز در راستای عمل به این اصل بوده است. اصل یاد شده، به‌ویژه آن‌گاه که جامعه در تنگنای اقتصادی به سر برد، اهمیت و شدت بیشتری پیدا می‌کند. در صدر اسلام، یعنی عصر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به لحاظ وجود تنگناهای اقتصادی برای مسلمانان، پیامبر اکرم ﷺ روش بسیار ساده‌ای را در حیات اقتصادی

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۵۱-۵۵۲، ح ۷۳۷.

۲. عن حاتم بن اسماعیل عن جعفر بن محمد عن أبيه أن سائلاً أتى رسول الله ﷺ فقال: يا رسول الله اعطني فقال رسول الله ﷺ: «من عنده سلف؟» قال رجل من الانصار: عندي. قال: «أعطه اربعة أوسق». ثم إن الانصاري احتاج الى سلفه، فرجع مرارا كلما احتاج اليه أتاه، فقال رسول الله: «يكون إن شاء الله». فلما كان في الثالث قال رسول الله ﷺ: «من عنده سلف؟» قال رجل: أنا، قال: «كم؟» قال: ما شئت. قال: «أعطه ثمانية أوسق». فقال الرجل: إنما لي اربعة أوسق. فقال رسول الله ﷺ: «أو اربعة ايضاً» (ابن ابى الدنيا، مكارم الاخلاق، ص ۱۲۲، ص ۴۰۵ و شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۸۵).

۳. امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱۳، مسئله ۲۲۸۳.

خود برگزیده بود. خوراک آن حضرت، همچون خوراک مردم عادی<sup>۱</sup> - و نه بهتر از آن‌ها - و غالباً از نان جو و خرما بود،<sup>۲</sup> آن‌هم در حد سیری.<sup>۳</sup> لباس حضرت ساده و غیر متنوع بود<sup>۴</sup> و می‌فرمود: پوشیدن لباس پشمینه را تا زمان مرگ رها نمی‌کنم.<sup>۵</sup>

وسایل خانه و زندگی پیامبرگرمی اسلام بسیار ساده و مختصر و گاه غیر کافی بود. به عنوان مثال، هنگامی که یکی از انصار مقداری خرما برای حضرت هدیه فرستاد، در خانه ایشان ظرفی یافت نشد تا خرماها را در آن بریزند، از این رو، زمین را تمیز کرده و فرمود:

بریز این جا، به خدا قسم اگر دنیا نزد خداوند به قدر بال مگسی ارزش داشت چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد.<sup>۶</sup>

زیراندازی که حضرت استفاده می‌کرد، یا قطعه‌ای حصیر بود که گاه هنگام خوابیدن روی

۱. «... و كان يأكل في بيته مما يأكل الناس...» (ابن ابی‌الدنیا، مكارم اخلاق، ص ۲۹).
۲. عن أبي اسامة، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: بلغنا أن رسول الله صلى الله عليه وآله لم يشبع من خبز بُر ثلاثة أيام قط، قال: فقال أبو عبدالله: ما أكله قط، قلت: فأبي شيء كان يأكل؟ قال: «كان طعام رسول الله صلى الله عليه وآله الشعير إذا وجدته، و حلواه التمر، و وقوده السعف» (شيخ طوسي، الامالي، ص ۶۶۳). و نیز ر.ک: روایت امام باقر عليه السلام در: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۱ و ج ۸، ص ۱۶۳، ح ۱۷۳ و ص ۱۶۸، ح ۱۸۹؛ ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۱۰۵؛ شیخ مفید، الامالی، ص ۱۹۵؛ عزالی، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۳۶۰ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۲۷.
۳. عن سماك بن حرب قال: سمعت النعمان بن بشير يقول: «الستم في طعام و شراب ما شئتم؟ لقد رايت نبيكم صلى الله عليه وآله و ما يجد من الدقل ما يملأ بطنه» (ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۳۰۸).
۴. عن هشام بن عروة عن عائشة، قالت: «مارفَع النبي صلى الله عليه وآله قط غداء لعشاء و لا عشاء لغداء، و لا اتخذ من شيء زوجين، و لا قميصين و لا ردائين و لا إزارين...» «صفة الصفة» ج ۱، ص ۲۰۰، «... و كان ثيابه الكرابيس...» (ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۵).
۵. عن العباس بن هلال عن علي بن موسى الرضا عليه السلام [عن آبائه] عن علي بن ابي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «خمس لا أدعهن حتى الممات، الأكل على الحضيض مع العبيد، و ركوبي الحمار مؤكفا، و حلبي العنز بيدي، و لبس الصوف، و التسليم على الصبيان ليكون سنة من بعدي» (شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۱).
۶. «... عن ابي يعفور، قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: «ان رجلاً من الانصار أهدى الي رسول الله صلى الله عليه وآله صاعاً من رطب، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله للخادم التي جاءت به: أدخلني فانظري هل تجدين في البيت قصعة او طبقاً فتأتيني به؟ فدخلت ثم خرجت اليه فقالت: ما أصبت قصعة و لا طبقاً. فكنس رسول الله صلى الله عليه وآله بثوبه مكاناً من الأرض، ثم قال لها: ضعيه هاهنا على الحضيض، ثم قال: و الذي نفسي بيده لو كانت الدنيا تعدل عند الله مثال جناح بعوضة ما اعطى كافراً و لا منافقاً منها شيئاً» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۳، ح ۱۳۳).

آن، اثرش بر بدن می ماند<sup>۱</sup> و یا از عیابی به عنوان زیرانداز استفاده کرده، و از پوستی پر شده از لیف خرما به عنوان بالش بهره می برد.<sup>۲</sup> همچنین محل خواب آن حضرت نه بر جایگاهی مخصوص، بلکه روی زمین بود.<sup>۳</sup>

و بالأخره روح قناعت در آن حضرت به حدی بود که چیزی را برای آینده ذخیره نمی کرد<sup>۴</sup> و پس از رحلت نیز درهم و دیناری به ارث نگذاشت.<sup>۵</sup>

فضیلت یاد شده در دعاهای آن حضرت نیز انعکاس داشته است. بنا به نقل امام صادق علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعای خویش، از خداوند برای محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله عفاف و کفاف (قناعت) را طلب می کرد.<sup>۶</sup>

۱. نضر بن سوید عن عبدالله بن سنان قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: «دخل على النبي صلی الله علیه و آله رجل وهو

على حصير قد اثر في جسمه و وسادة ليف قد اثرت في خذّه فجعل يمسح و يقول: ما رضی بهذا كسری و لا قیصر، انهم ینامون على الحریر و الیدیاج و انت على هذا الحصیر؟ قال: فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لانا خیر منهما، و الله لانا خیر منهما، و الله لانا اكرم منهما، مالی و للدنیا، انما مثل الدنیا كمثل رجل راكب مرّ على شجرة و لها فيء فاستظل تحتها، فلما ان مال الظل عنها ارتحل فذهب و تركها» (كوفي اهوازی، كتاب الزهد، ص ۵۰، ح ۱۳۴؛ ابن ابي الدنيا، مكارم الاخلاق، ص ۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۹ و ۲۸۲ و ج ۷۰، ص ۱۲۳ و ۱۲۶ و ر.ك: به نقلی مشابه از ابن عباس در منابع غیر شیعی همچون: مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۹۰؛ مستدرک حاكم، ج ۴، ص ۳۱۰؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۲۵۹؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۸ و ...).

۲. عن علی علیه السلام: «كان فراش رسول الله صلی الله علیه و آله عباءة و كانت مرقمته آدم، حشوها ليف، فثبت له ذات ليلة، فلما أصبح قال: لقد منعتي الفراش الليلة الصلاة، فأمر صلی الله علیه و آله أن يجعل بطاق واحدی (شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۲۲، ح ۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷، ح ۵).

۳. عن جابر عن ابي جعفر علیه السلام قال: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله يأكل أكل العبد و يجلس جلسة العبد، و كان يأكل على الحضيض، و ینام على الحضيض» (برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۵۷، ح ۳۸۷؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۱، ح ۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۵، ح ۳۰ و ص ۲۶۲، ح ۵۵ و ج ۶۳، ص ۴۱۹، ح ۳۲).

۴. عن انس بن مالك قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله لا یذخر شیئاً لغد» (ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۹۳).

۵. عن الامام موسى بن جعفر علیه السلام عن آباءه عن الحسين علیه السلام عن ابيه علیه السلام قال له يهودی: فان عیسی بزعمون أنه كان زاهداً، قال له علی علیه السلام: «لقد كان كذلك، و محمد صلی الله علیه و آله أزهّد الانبیاء صلی الله علیه و آله ... توفي رسول الله صلی الله علیه و آله و درعه مرهونة عند يهودی بأربعة دراهم، ما ترك صفراء و لا بیضاء مع ما وطىء له من البلاد و مكن له من غنائم العباد و لقد كان یقسم في اليوم الواحد ثلثمائة الف و اربعمائة الف، و يأتيه السائل بالعشي فيقول: و الذي بعث محمداً بالحق ما أمسى في آل محمد صلی الله علیه و آله صاع من شعیر و لا صاع من تمر و لا درهم و لا دینار...» (طبری، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۳۵ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸ و ج ۱۷، ص ۹۷).

۶. عن السكوني، عن ابي عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اللهم ارزق محمد و آل محمد و من أحب

## ۲-۲. عدالت و احتیاط در مصرف بیت‌المال

احتیاط به معنای عمل کردن به گونه‌ای فراتر از مقتضای عدالت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم بیت‌المال اصل «عدالت» را مبنای عمل قرار داد، اما در مصرف شخصی خویش براساس اصل «احتیاط» عمل می‌کرد. از جمله شواهد عملکرد حضرت بر مبنای عدالت، می‌توان به جریان تقسیم غنایم جنگ حنین اشاره کرد، زیرا آن حضرت در تقسیم غنایم به دست آمده در این غزوه، به برخی از تازه مسلمانان سهم بیشتری را به منظور تألیف قلوب و تأمین مصالح، اختصاص داد و آن‌گاه که با اعتراض یکی از اصحاب روبه‌رو شد که گفت: «ای محمد! عدالت پیشه کن!»، آن حضرت در پاسخ فرمود: «و یحك فمن يعدل إن لم أعدل؟؛ وای بر تو، اگر من عدالت نورزم، دیگر چه کسی به عدالت رفتار خواهد کرد؟»<sup>۱</sup>

ممکن است این پرسش به ذهن آید که شرط عمل براساس عدالت، تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی است، چنان که سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این چنین بود و امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌هایش بدان اشاره فرمود،<sup>۲</sup> و خود نیز در این زمینه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسی می‌کرد.<sup>۳</sup> بدین ترتیب، عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم غنایم جنگ حنین که سهم بیشتری به برخی از تازه مسلمانان داد، چگونه قابل توجیه است؟

در پاسخ، می‌توان گفت: تقسیم به طور مساوی در صورتی است که مصلحتی برتر در میان نباشد و گرنه اقتضای عدالت، تقسیم به گونه‌ای است که تأمین کننده مصالح باشد، زیرا عدل، قرار دادن هر چیزی در محل مناسب آن است.<sup>۴</sup> و در مورد یاد شده، سهمی که

→ محمدأ و آل محمدأ و آل محمد العفاف و الكفاف و ارزق من ابغض محمد و آل محمد المال والولد» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۳؛ راوندی، النوادر، ص ۱۲۴ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵۹).

۱. تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۶۸؛ قاضی محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۲۴؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۰۹ و طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. «... وأعطیت كماکان رسول الله صلی الله علیه و آله يعطی بالسوية ولم أجعلها دولة بین الاغنياء...» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۰-۶۱).

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۷۸ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۳۴.

۴. «العدل یضع الأمور مواضعها...» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۳۷؛ نیشابوری، روضة الواعظین،

پیامبر صلی الله علیه و آله به نو مسلمانان دادند از سهم مؤلفه قلوبهم، و در راستای تألیف قلوب و براساس امر الهی بود.

چنان که گفته آمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بهره‌مندی شخصی از بیت‌المال، احتیاط می‌کرد و از اطرافیان نیز توقع داشت این‌گونه عمل کنند. عملکرد محتاطانه آن حضرت درباره بیت‌المال به گونه‌ای بود که جز به قدر نیاز یک‌ساله خویش، آن هم از نوع غیر مرغوب آن، بر نمی‌داشت و بخشی از آن را نیز انفاق می‌کرد تا آن‌جا که خود پیش از پایان سال نیازمند می‌شد.<sup>۱</sup> در تقسیم بیت‌المال به قدری حساس و محتاط بود که پیش از پایان روزی که مالی به دستش رسیده بود تمامی آن را تقسیم می‌کرد.<sup>۲</sup>

با توجه به این روحیه محتاطانه آن حضرت، اطرافیان، به‌ویژه آنان که بنا بود نقش رهبری جامعه را بر عهده گیرند، را به همین منوال تربیت می‌کرد، تا حدی که بهره‌مندی دخترش فاطمه علیها السلام از گردن‌بندی که از سهم شوهرش از بیت‌المال تهیه شده بود،<sup>۳</sup> و نیز آویخته شدن پرده‌ای به خانه فاطمه علیها السلام را نیز بر نمی‌تابید و اگر آن حضرت، موجب شد فاطمه علیها السلام نیز از سهم حلال و مشروع خویش از این مظاهر مادی چشم‌پوشد.<sup>۴</sup>

### ۲-۳. پرهیز از اسراف و تبذیر

اسراف به معنای «تجاوز از حد در هر کاری» است<sup>۵</sup> و تبذیر به معنای تضييع مال و

→ ص ۴۶۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۰، ح ۵۹ و ص ۳۵۷، ح ۷۲.

۱. «... كان صلی الله علیه و آله لا يأخذ مما آتاه الله الأ قوت عامه فقط من يسير ما يجد من التمر و الشعير و يضع سائر ذلك في سبيل الله، و لا يسأل شيئاً إلا أعطاه ثم يعود الى قوت عامه فيؤثر منه حتى ربما احتاج قبل انقضاء العام إن لم يأت شيء...» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۲۶).

۲. در ضمن توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به سیره نبوی صلی الله علیه و آله به یک فرد یهودی، چنین آمده است: «... ولقد كان صلی الله علیه و آله يقسم في اليوم الواحد ثلثمائة الف و اربعمأة الف، و يأتيه السائل بالعشي فيقول: والذي بعث محمداً بالحق ما أمسى في آل محمد صلی الله علیه و آله صاع من شعير ولا صاع من تمر ولا درهم ولا دينار...» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۳۵) و نیز در سخن معترضانه ابوذر به عثمان، توصیفی دیگر در این زمینه به چشم می‌خورد (ر.ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۱-۵۲).

۳. شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۵۲ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۱.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۱.

۵. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۶.

مصرف کردن آن در مسیر غیر مناسب است.<sup>۱</sup> این دو خصلت رفتاری را می‌توان از آفات و آسیب‌های نظام مصرفی، به‌ویژه در جهان امروز شمرد. در قرآن کریم هر دو واژه به‌طور مکرر به کار رفته و در آیات الهی تعابیر تندی در مورد اهل اسراف و تبذیر به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که مُسرفان، اهل آتش<sup>۲</sup> و مبذران، برادران شیاطین<sup>۳</sup> معرفی شده‌اند.

در سیره اقتصادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پرهیز از اسراف و تبذیر به گونه‌ای روشن به چشم می‌خورد؛ بهره‌مندی از نعمت‌های الهی به گونه‌ای مطلوب و مناسب هر نعمت، از ویژگی‌های رفتار اقتصادی نبوی صلی الله علیه و آله است. آن حضرت حتی هنگام تناول خرما از دور ریختن هسته‌های آن پرهیز کرده، آن‌ها را به مصرف حیوانات می‌رساند.<sup>۴</sup>

روحیه پرهیز از تبذیر نیز در آن حضرت تا حدی بود که هنگام صرف غذا به حداقل میزان مورد نیاز برای بدن از نظر کمی و کیفی بسنده می‌کرد. بنا بر یک روایت، روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قبا حضور داشت و هنگام افطار رسید و حضرت نوشیدنی طلب کرد، شیر آمیخته با عسل آوردند، فرمود:

دو نوشیدنی که به یکی از آن‌ها می‌توان بسنده کرد؟ نه آن را می‌نوشم و نه تحریمش می‌کنم، و لکن در پیشگاه الهی تواضع می‌کنم که هر کس تواضع کند خداوند او را رفعت بخشد، و هر آن کس که تکبر ورزد خداوند او را فرود آورد، و هر آن کس که در زندگی اهل میانه روی باشد خداوند روزی‌اش دهد، و هر آن کس که اهل تبذیر باشد خداوند محرومش سازد، و هر آن کس که یاد مرگ بسیار کند خداوند دوستش دارد.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۳۷.

۲. «... و ان المترفین هم أصحاب النار» (غافر (۴۰) آیه ۴۳).

۳. «ان المبذرین كانوا اخوان الشیاطین» (اسراء (۱۷) آیه ۲۷).

۴. «و اکل النبی صلی الله علیه و آله يوماً رطباً کان فی یمینہ و کان یحفظ النوی فی یسارہ فمزت شاة فأشار الیها بالنوی فجعلت تأکل فی کفہ الیسری و هو یأکل بیمینہ حتی فرغ و انصرفت الشاة» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، ص ۲۹؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۴۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ ج ۱۷، ص ۳۹۱ و ج ۶۳، ص ۱۴۱؛ مناوی، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، ج ۵، ص ۲۴۷ و عجلونی، کشف الخفاء، ج ۱، ص ۱۷۴).

۵. ابن ابی عمیر عن عبدالرحمان بن الحججاج عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «أفطر رسول الله صلی الله علیه و آله عشية خمیس



## ۲-۴. انفاق در راه خدا

مصرف درآمد در تأمین نیازهای خود و خانواده، طبق اصول فطری و نیز طبیعت بشری است، اما مصرف درآمد برای رفع نیاز مادی دیگران - آن هم نه با چشم داشت سود مادی، و تنها برای تأمین رضای الهی - بر آمده از روحی متعالی است که جز از رسول الهی یا کسانی که در مسیر او حرکت می‌کنند انتظار نمی‌رود. به گواه تاریخ، بخشی از درآمد مالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تأمین نیازهای مادی دیگران مصرف می‌شد، اعم از انفاق به افراد فقیر و تنگ‌دست یا پرداخت بدهی‌ها و دیون بدهکاران بی‌چیز. حرص و رغبت آن حضرت در مسیر انفاق به حدی بود که گاه به مرز بی‌چیزی و تنگ‌دستی خود آن بزرگوار می‌رسید که خداوند در قرآن برای تعدیل این روح متعالی، خطاب به آن حضرت فرمود:

و دستت را به گردنت زنجیر مکن [از روی بُخل]، و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.<sup>۱</sup>

با توجه به این‌تر بیت الهی بود که آن حضرت در انفاق حدی معتدل و میانه داشت و اهل اسراف نبود.<sup>۲</sup> بر همین اساس، هنگامی که فردی از آن حضرت تقاضای کمک کرد، در پاسخ به او فرمود: اکنون چیزی ندارم لکن همراهم باش اگر چیزی رسید به تو خواهم داد. در این هنگام عمر رو به آن حضرت کرده و گفت: ای رسول خدا، خداوند تو را بر آن چه بدان طاقت نداری مکلف نساخته! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را این سخن، ناخوش آمد، و مردی از انصار نیز به حضرت عرض کرد: «انفاق کن و از صاحب عرش خوف کاستی نداشته باش»؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن تبسمی کرد و شادی در چهره‌اش نمایان شد و فرمود:

→ في مسجد قبا، فقال: هل من شراب؟ فأتاه اوس بن خولى الانصارى بعسٍ مخيض بعسل (بلبن و عسل) فلما وضعه على فيه نحاها» ثم قال: «شرابان يكتفي بأحدهما من صاحبه، لا أشربه ولا أحزّمه ولكن أتواضع لله، فإن من تواضع لله رفعه الله، و من تكبّر خفّضه الله، و من اقتصد في معيشته رزقه الله، و من بذّر حزمه الله، و من أكثر ذكر الموت أحبّه الله» (كليني، الكافي، ج ۲، ص ۱۲۲؛ حرّانی، تحف العقول، ص ۴۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۵؛ ج ۶۳، ص ۳۲۵؛ ج ۷۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۶ و ج ۷۴، ص ۱۴۹).

۱. «و لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك و لا تبسطها كل البسط فتفعد ملوماً محسوراً». (اسراء (۱۷) آیه ۲۹).

۲. «... [كان صلی الله علیه و آله] جواداً من غير سرف...» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۹۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸).



«خدایم به این، امر کرده است»<sup>۱</sup>.

آن حضرت می‌کوشید که اصحاب خویش را نیز بر همین منوال و سیره، تربیت کند، چنان‌که وقتی ملاحظه فرمود بلال مقداری خرما ذخیره کرده و اندک اندک بر میهمانان پیامبر ﷺ عرضه می‌کند، به او فرمود:

آیا نمی‌ترسی که برایت در آتش دوزخ بخاری قرار داده شود، انفاق کن و از ناحیه صاحب عرش، خوف کاستی نداشته باش.<sup>۲</sup>

توجه پیامبر اکرم ﷺ به رفع مشکلات مادی افراد نیازمند، به آن حضرت حالتی بخشیده بود که بنا به تعبیر برخی روایات، هرگز سائلی را بدون پاسخ رد نکرد به گونه‌ای که گاه آن پاسخ (به علت فقدان امکان مالی برای آن حضرت) سخنی نرم و شیرین بود.<sup>۳</sup>

بخشی از مصارف مالی پیامبر اکرم ﷺ نیز مربوط به پرداخت دیون و بدهی‌های افرادی بود که توان پرداخت آن را نداشتند و از دنیا می‌رفتند. در یک روایت از آن حضرت نقل شده که فرمود:

کسی که دین یا عیالی [نیازمند] از خود بر جای نهاد [تأمین آن] برعهده من است.<sup>۴</sup>

۱. عن زيد بن اسلم قال: جاء رجل فسأل النبي ﷺ فقال: ما عندنا شيء، ولكن اتبع علينا إذا جاءنا شيء، فقضىنا. فقال عمر: هذا تعطى ما عندك ولا تتكلف ما ليس عندك. فقال رجل من الأنصار: أنفق يا رسول الله ولا تخف من ذي العرش [قلالا، إقال: فتبسم النبي ﷺ و عرف السرور في وجهه] فقال رسول الله ﷺ: «بهذا أمرني ربي» (ابن أبي شيبة، المصنف، ج ۱۱، ص ۱۰۹؛ ترمذی، الشمائل المحمدية، ص ۲۹۴؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۸ و ابن ابی الدنيا، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۸).

۲. عن عبدالله بن مسعود، قال: دخل النبي ﷺ على بلال و عنده صبر من التمر، فقال: ما هذا يا بلال؟ قال: يا رسول الله، لك ولضيغانك. قال: «اما تخشى أن يكون له بخار من نار، انفق يا بلال ولا تخش من ذي العرش اقلال» (غريب الحديث، ج ۱، ص ۱۵۹؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۱؛ قضاعی، مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۳۷-۴۳۸؛ صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد، ج ۵، ص ۴۵۴. بانندگی اختلاف در جزئیات نقل).

۳. «... و ما سئل شيئاً قط، فقال: لا؛ و ما رد سائل حاجة قط، الا أتى بها، أو بميسور من القول...» (شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۸۴؛ ابن ابی الدنيا، مکارم الاخلاق، ص ۱۴؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۴ و طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۱۵۸).

۴. «... عن سفيان بن عيينة عن ابي عبدالله عليه السلام ان النبي ﷺ قال: «أنا أولى بكل مؤمن من نفسه و عليّ أولى به من بعدي». فقيل له: ما معنى ذلك؟ فقال قول النبي ﷺ: «من ترك ديناً أو ضياعاً فعلي» (كليني، الكافي، ج ۱، ص ۴۰۶ و شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۷). در منابع غیر شیعی نیز کلام حضرت، نقل ←

## جمع‌بندی

در این مقاله، تلاش شد گوشه‌هایی از سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با استناد به متون روایی و تاریخی تبیین شود. چنان‌که ملاحظه شد، با تأمل در روایات مربوط، نکات قابل توجه و شایسته پیروی و عمل به چشم می‌خورد. از منظر این روایات، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با وجود منصب نبوت و رهبری، اهل کار و تلاش برای کسب درآمد حلال بود. ایشان در کنار راه‌های مادی به راه‌های معنوی، هم‌چون توکل، دعا، استغفار، توبه، امانت‌داری و ترک خیانت، دائم‌الوضوء بودن و ازدواج، بی‌توجه نبود. در سیره اقتصادی آن حضرت، اصول ثابتی وجود داشت که از آن‌ها عدول نمی‌کرد؛ اصولی، هم‌چون اهتمام بر حلال بودن درآمد، قناعت و ساده‌زیستی در مصرف، عدالت و احتیاط در مصرف بیت‌المال، پرهیز از اسراف و تبذیر و بالأخره انفاق در راه خدا.

اهمیت این مباحث - با توجه به درگیری روزمره تمامی احاد جامعه با مسئله اقتصاد و معیشت - انکارناپذیر است و آنچه در این مقاله آمد صرفاً به هدف ادای دین در حد مجال و توان به ساحت مقدس پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است.

→ شده است (از جمله ر.ک: مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷؛ سنن نسایی، ج ۴، ص ۹۰). هم‌چنین درباره این روایت و شرح معنای آن، نکاتی مطرح شده است (برای نمونه ر.ک: مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۷، ص ۳۰).

### فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح.
۲. ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، [بی جا]، دارالکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن ابی الدنیا، حافظ ابی بکر عبدالله بن عبید (م ۲۸۱ق)، مکارم الأخلاق، تحقیق مجدی سید ابراهیم، [بی جا]، نشر مکتبه القرآن.
۴. ابن ابی شیبہ کوفی (م ۲۳۵ق)، المصنّف، تحقیق سید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی الکریم (م ۶۳۰ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالکتب العربیه، [بی تا].
۶. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (م ۸۵۲ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].
۷. ابن حنبل، احمد (م ۲۴۱ق)، مسند احمد، بیروت، دار صادر.
۸. ابن سعد (م ۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، [بی تا].
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن شهر آشوب سروری (م ۵۸۸ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف، مطبعه محمد کاظم حیدری، ۱۳۷۶ق.
۱۰. ابن قدامه مقدسی، محمد بن احمد (م ۶۸۲ق)، الشرح الکبیر علی متن المقنع، بیروت، دارالکتب العربیه، [بی تا].
۱۱. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (م ۲۷۵ق)، السنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۱۲. ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی (م ۲۷۵ق)، سنن ابی داود، تحقیق سید محمد لحام، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
۱۳. امام خمینی، روح الله (م ۱۳۶۸)، توضیح المسائل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ق)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ق)، المحاسن، تحقیق سید جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین بن علی (م ۴۵۸ق)، السنن الكبرى، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (م ۲۷۹ق)، الشمائل المحمدیه، تحقیق سید عباس جلیمی، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیه، ۱۴۱۲ق.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (م ۲۷۹ق)، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۹. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون (م ۳۶۳ق)، دعائم الإسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، بیروت، دارالمعارف، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م.
۲۰. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)، الفارات، تحقیق سید جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، افست چاپخانه بهمن، ۲۵۳۵.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (م ۴۰۵ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۲. حرّانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه (قرن چهارم هجری)، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم: قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن (م ۱۱۰۴ق)، الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۴ق.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسین (م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه، تحقیق محمد رازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (م ۷۲۶ق)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۶. حمیری بغدادی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر (م ۳۰۰ق)، قرب الاسناد، قم، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۳ق.
۲۷. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (قرن هشتم هجری)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، تحقیق مؤسسة آل البيت، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، [بی تا].
۲۸. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۲۹. راوندی، فضل الله بن علی حسینی (م ۵۷۱ق)، النوادر، تحقیق سعید رضا علی عسکری، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
۳۰. راوندی، قطب الدین (م ۵۷۳ق)، الدعوات، قم، مدرسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ق.

۳۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر (م ۹۱۱ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و النشر و التوزیع، [بی تا].
۳۲. \_\_\_\_\_، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۳۳. شوکانی، محمد بن علی بن محمد (م ۱۲۵۵ق)، نیل الاوطار من احادیث سید الأخیار، شرح منتقى الأخبار، بیروت، دارالجليل، ۱۹۷۳م.
۳۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، علل الشرایع، نجف، حیدریه، ۱۳۸۶ق.
۳۶. \_\_\_\_\_، الأمالی، قم مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۳۸. \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن (م ۴۶۰ق)، الأمالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۴۰. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ق)، الأمالی، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ق.
۴۱. صالحی شامی، محمد بن یوسف (م ۹۴۲ق)، سبل الهدی و الرشاد، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۴۲. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام (م ۲۱۱ق)، المصنف، تحقیق حبيب الرحمان اعظمی، [بی جا، بی تا، بی تا].
۴۳. طبرانی، سلیمان بن احمد (م ۳۶۰ق)، المعجم الكبير، تحقیق حمدي عبدالمجيد سلفی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۴۴. \_\_\_\_\_، المعجم الاوسط، [بی جا]، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۴۵. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب (م حدود ۶۲۰ق)، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر خراسان، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
۴۶. طبرسی، رضی الدین ابی نصر حسن بن فضل (قرن ششم هجری)، مکارم الأخلاق، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م.
۴۷. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ق)، تاریخ الأمم و الملوك، چاپ چهارم: بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

۴۸. عاملی، سیدجعفر مرتضی، **الصحيح من سيرة النبي الاعظم**، چاپ چهارم: بیروت، دارالهادی و دارالسیره، ۱۴۱۵ق.
۴۹. عجلونی، اسماعیل بن محمد (م ۱۱۶۲ق)، **كشف الخفاء ومزيل الالباس عما اشتهر من الأحاديث على السنة الناس**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۵۰. قاضی، محمد بن سلیمان کوفی (م حدود ۳۰۰ق)، **مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام**، تحقیق شیخ محمدباقر محمودی، قم مجمع احیاء الثقافة الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۵۱. قضاغی، قاضی ابی عبدالله محمد بن سلامه (م ۴۵۴ق)، **مسند الشهاب**، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ق.
۵۲. قمی، علی بن ابراهیم (م حدود ۳۲۹ق)، **تفسیر القمی**، قم، مؤسسة دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۵۳. کراچکی، ابی الفتح محمد بن علی (م ۴۴۹ق)، **کنز الفوائد**، چاپ دوم: قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۹.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹)، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ق.
۵۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (قرن ۲ و ۳)، **کتاب الزهد**، تحقیق غلامرضا عرفانیان، قم، علمیه، ۱۳۹۹ق.
۵۶. مازندرانی، مولی محمد صالح (م ۱۰۸۱ق)، **شرح اصول کافی**، تعلیق میرزا ابوالحسن شعرانی، [بی جا، بی نا، بی تا].
۵۷. متقی هندی، علاءالدین علی متقی بن حسام الدین هندی (م ۹۷۵ق)، **کنز العمال فی سنن الأقال والأفعال**، تحقیق بکری حیانی، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ق.
۵۸. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ق)، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۵۹. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.
۶۰. مناوی، محمد عبدالرؤف (م ۱۳۳۱ق)، **فیض القدير شرح الجامع الصغير**، تحقیق احمد عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۶۱. نسائی، ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب (م ۳۰۳ق)، **السنن الکبری**، تحقیق عبدالغفار سلیمان بندری و سیدکسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۶۲. نیشابوری، محمد بن قتال (م ۵۰۸ق)، **روضه الواعظین**، با مقدمه سیدحسن خراسان، قم، منشورات الرضی، [بی تا].
۶۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج (م ۲۶۱ق)، **صحيح مسلم**، بیروت، دارالفکر.
۶۴. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (م ۱۰۷ق)، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.